

یادداشت

صیانت حقیقی



حبیب‌الله معظمی پژوهشگر ارتباطات

● اگر گفته شود «طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی» (که چنین به نظر می‌رسد برای تصویب نهایی در مجلس‌قدرتمندانه پیش برده می‌شود) در دو، سه روز اخیر اصلی‌ترین موضوع مورد بحث ایرانی‌ها در فضای مجازی و حقیقی بوده، سخن‌گرافی گفته نشده است. این طرح مجلس شورای اسلامی به طرز قابل‌توجه و شاید استثنایی، طرحی است که در جریان تصویب با طیف گسترده‌ای از مخالفت‌ها از چهره‌های رسمی، سیاسی تا غیررسمی و مدنی روبه‌رو شده است. اگر خاستگاه اصیل و دلسوزانه برای مقابله با برخی ناهنجاری‌ها در فضای مجازی برای این طرح قائل باشیم، خود این طرح به‌عنوان ابزار تحقق این خاستگاه (و هدف)، نهنتها به‌شدت و عمیقا در برابر آن هدف قرار گرفته بلکه قانونی‌شدن آن، نوعی اغتشاش و بی‌اعتباری حکمرانی اینترنتی برای کشور به بار می‌آورد. نگران‌ده به‌عنوان یک فعال فضای مجازی و دهه‌ها کار و تحقیق رسانه‌ای، بر این باور است که می‌توان مثل همه کشورهای جهان، با توضیحی که در ادامه می‌آید، بدون «طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی» از کاربران و شهروندان ایرانی صیانت و محافظت کرد.

ویژگی کاربری ایرانی شبکه‌های اجتماعی ۱- تحقیقا ایرانیان تنها ملتی هستند که نیاز اصلی اطلاع‌جویی خود را از فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) تأمین می‌کنند.

۲- کاربری ایرانی شبکه‌های اجتماعی برعکس دیگر کشورها، بر شبکه‌های اجتماعی کارکردی بیش از ظرفیت و تعریف معمول و متعارف آن در جهان بار کرده به‌طوری‌که فضای ایرانی این شبکه‌ها آمیخته با اخبار و اطلاعات راست و دروغ، سرگرمی و اطلاعات هدمفند با سرمنشا خارجی شده است.

۳- کارکرد نا‌نوشته رسانه‌های اجتماعی (در جهان) عمدتا حول دو محور است: نظر و داده فان (مطالب سرگرم‌کننده و جذاب). اما در کاربری و فضای ایرانی این شبکه‌ها علاوه بر این دو محور، نیاز تأمین اخبار و اطلاعات و آگاهی مخاطب به‌عنوان اصلی‌ترین کارکرد و وظیفه رسانه نیز بر عهده این رسانه‌ها گذاشته شده است. همین کارکرد اخیر یعنی نیاز به اطلاع‌جویی و آگاهی‌طلبی مخاطب ظاهرا خاستگاه اختلافات و منبای تدوین این طرح بر این دو محور، نیاز تأمین اخبار و اطلاعات و آگاهی مخاطب است. علت چنین «کارکردافزایی» برای رسانه‌های اجتماعی در فضای کاربری ایرانی شبکه‌های اجتماعی، مشخصا ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای گوناگون غلط دهه‌های اخیر در کشور بوده که باعث شده از رسانه‌های حقیقی (رسانه‌های معمول مکتوب، دیداری و شنیداری) «کارکردزایی» شود. حاصل چنین تصمیمات و رویکردها این شده که کارکرد اطلاع‌دهی و آگاهی‌بخشی از رسانه‌های حقیقی به رسانه‌های مجازی محول شده و مخاطبان ایرانی از آن فضا به این فضا کوچ داده شده‌اند. به بیان دیگر استقبال ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی به دست خود ما و متأثر از این رویه‌ها و سیاست‌های داخلی بوده ذات این شبکه‌ها بوده است. جذابیت رسانه‌های اجتماعی با بی‌جاذبیت‌سازی رسانه‌های حقیقی رقم خورده است. نباید تصور شود که این «کارکردزایی- کارکردافزایی» فقط تأثیراتی محدود به حوزه رسانه و فرهنگ خواهد داشت بلکه همگان در وقایع چند سال اخیر شاهد این تأثیرات بر حوزه‌های سیاسی و امنیتی و حتی قضائی بوده‌ایم. برای اینکه رسانه‌های اجتماعی (بدون شناسنامه، مسئولیت‌ناپذیر، مملو از اخبار جعلی و اطلاعات هدمفند تهییج) از حیز انتفاع انداخته شوند، راه گریزی نیست مگر اینکه کارکرد (اطلاعه‌دهی و آگاهی‌بخشی) را به رسانه‌های حقیقی داخلی برگردانیم. برای این مهم نیاز به تضمین آزادی بیان رسانه‌ای، آزادی مطبوعات، تأمین شغلی و حرفه‌ای رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران و آزادی و تضمین گزارش‌دهی از «کلیه امور کشور» به رسانه‌های داخلی و در یک کلام به‌رسمیت‌شناسنی رسانه به‌عنوان یک نهاد از نهادهای اصلی سازنده و مقوم جامعه است. برای این نیاز، به قانون‌گذاری و ضمانت‌بخشی‌های قانونی توسط مجلس برای نیل به این شکل‌گیری و شناسایی این نهاد (به معنای متداول نظری جهانی آن) احتیاج است؛ کاری که از طرح صیانت از کاربران فضای مجازی کم‌هرینه‌تر و شدنی است؛ چراکه رسانه‌های حقیقی (داخلی) هرچه باشند عضو یک خانواده، دارای شناسنامه، هویت و مسئولیت‌پذیری هستند و از هر فکر و مشی‌ای که باشند، برای اعتلای کشور می‌کوشند. این باید به رسمیت شناخته و صیانت شود.

یادداشت

رئییی طرح مجلس را به رفراندوم بگذارد



مذکور باید به گونه‌ای بررسی شود که تصمیم‌گیری نهایی درباره این پلتفرم‌ها مبتنی بر منطقی‌عقلانی به‌صورت مستقیم از طرف اهل فن و مردم صورت گیرد. قانون‌گذار خوب باید جامعه‌شناس خوبی باشد؛ چنانچه قانونی نظر مردم را تأمین نکند، ضمانت اجرا و قابلیت استناد قوی از منظر اجتماعی را ندارد. برای مثال قانون منع به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، مصوبات فیلترینگ برخی از پلتفرم‌ها مانند توئیتر که با وجود اعمال آنها ولی بازهم شاهد لغزش گسترده اجتماع و مردم وضع کند تا بتواند امورات را اساماندهی و تنظیم کند. در غیراین‌صورت وضع قانون نتیجه عکس خواهد داشت. در نمونه حاضر نیز با توجه به اینکه در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام و واتس‌اپ که ده‌ها میلیون نفر از آنها استفاده می‌کنند و هزاران کسب‌وکار در آنها جریان دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است و پیچیدگی‌های فراوانی دارد، باید درباره آنها متغیرهای زیادی را مدنظر قرار داد؛ بنابراین طرح

فیلتر نکن، بازی کن…

پلیس امنیت تماس بگیرم و کمک بخواهم، بعد فکر کردم لازم است فورا به پلیس فتا مراجعه و شکایتی تنظیم کنم. اما یک مسئله را نمی‌توانستم درک کنم، این هکر یا کلاهبردار، چگونه به عکس هم‌اکنون پسر من در اتاقش دسترسی پیدا کرده است؟! متاثر از فضای امنیتی حاکم بر جامعه امروز، ایده کارگذاشتن دوربین مخفی یا حتی شنود مستقیم به ذهنم آمد… ناگهان به فکر پارسا افتادم که الان کجاست؟ وقتی او را در جمع خانواده و همراه با میهمانان ندیدم، برخاستم و به اتاقش رفتم. تا در اتاق را باز کردم، چیزی را فوری مخفی کرده‌ا به سراغش رفتم و با غضب تبلت دختر کوچولو میهمانمان را که دسترسی آزاد به اینترنت داشت، در دست او یافته‌کم با کمک دخترک هفت‌ساله فامیل، در حال بهره‌برداری از صفحه تازه‌تأسیس خودش بودا وقتی با برخورد تند من مواجه شد، اعتراف کرد که با کمک «زینتا» صفحه‌های برای خودش ایجاد کرده و درحال ایجاد صفحه دیگری برای دخترکوچولوی هفت‌ساله فامیل بوده که من سررسیدم. حالا مشکل را یافته بودم اما نمی‌دانستم چه باید بکنم؛ با غضب و عصبانیت ناشی از استیصال، تصمیم گرفتم بدوا صفحه ایجادشده را حذف کنم. اما نمی‌دانستم چگونه یک نام کاربری و صفحه ایجادشده در اینستاگرام را می‌شود حذف کرد؛ پس با دوستی تماس گرفتم و با مشورت او، کاملا مقتدرانه این مسیر فساد و تباهی و نابودی را مسدود کردم؛ پسرم بسیار دلگير شد

اما من را ملامت نمی‌کردم چون معتقد بودم سن او و دخترچه بازیگوش فامیل، مناسبتی با فضای مجازی ندارد و حتما فیلترینگ می‌مرد. آنها همچون من، بازی‌کردن را کاری عیب و بی‌فایده می‌دانند و معتقدند از اموری سطیحی و سخیف است. آنها نیز چون من از اطلاعات و فناوری‌های روز عقب افتاده‌اند و آن‌قدر مشغول به امور کلان شده‌اند که از جزئیات موثر بزر همان امور کلان و ملی غافل مانده‌اند، یا شاید آنها نیز چون من از روی استیصال و عدم پذیرش ضروریات امروز جامعه است که به تصویب «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی:» روی آورده‌اند… در این اندیشه‌ها بودم که از پسررم پرسیدم: خودت بگو با تو چه کنم؟ خندید و گفت: بابا، فیلتر نکن، بیا تو هم با من بازی کن، خیلی بحالده… و شروع کرد به آموزش بازی به من که در طول عمرم بازی‌کردن را بییوده و هندردادن زمان و عمر می‌دانستم… حالا من درحال آموختن از او هستم. اینها را نوشتم که بگویم از مجلس که گذشت و این طرح را با استناد غیرقابل‌توجهی به اصل ۸۵ قانون اساسی بدون ارجاع به صحن علنی حتما تصویب کرده، به شورای نگهبان ارسال خواهند کرد و در صورت تأیید شورای نگهبان به‌صورت آزمایشی اجرا خواهد شد اما امیدوارم اعضای محترم شورای نگهبان این نکته ظریف را دریابند و به‌جای فیلترینگ، با بازی نسل جدید –پیش از آنکه دیر شود –هم‌داستان شوند.

و توضیح آنها، این‌قدر توانمند باشد. همین که توضیح می‌داد، متوجه شدم که چرا خیلی از آقایان عالی‌رتبه دست به فیلترینگ می‌برند. آنها همچون من، بازی‌کردن را کاری عیب و بی‌فایده می‌دانند و معتقدند از اموری سطیحی و سخیف است. آنها نیز چون من از اطلاعات و فناوری‌های روز عقب افتاده‌اند و آن‌قدر مشغول به امور کلان شده‌اند که از جزئیات موثر بزر همان امور کلان و ملی غافل مانده‌اند، یا شاید آنها نیز چون من از روی استیصال و عدم پذیرش ضروریات امروز جامعه است که به تصویب «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی:» روی آورده‌اند… در این اندیشه‌ها بودم که از پسررم پرسیدم: خودت بگو با تو چه کنم؟ خندید و گفت: بابا، فیلتر نکن، بیا تو هم با من بازی کن، خیلی بحالده… و شروع کرد به آموزش بازی به من که در طول عمرم بازی‌کردن را بییوده و هندردادن زمان و عمر می‌دانستم… حالا من درحال آموختن از او هستم. اینها را نوشتم که بگویم از مجلس که گذشت و این طرح را با استناد غیرقابل‌توجهی به اصل ۸۵ قانون اساسی بدون ارجاع به صحن علنی حتما تصویب کرده، به شورای نگهبان ارسال خواهند کرد و در صورت تأیید شورای نگهبان به‌صورت آزمایشی اجرا خواهد شد اما امیدوارم اعضای محترم شورای نگهبان این نکته ظریف را دریابند و به‌جای فیلترینگ، با بازی نسل جدید –پیش از آنکه دیر شود –هم‌داستان شوند.

اندیشه را حصار نکشیم!

که در سال‌های اخیر جایگزین فضای کار سنتی و واقعی شده‌اند، از گردونه خارج شده و مجدداً به خرابه‌هایی کوچ خواهند کرد که حالا نشانی از زندگی تجاری در آن نیست و بیشتر از درگاه قانون‌گریزی در خدمت خواهند کرد. درست در همین جا تقابل دو تفکر مدرن و سنتی

اقسام تکنولوژی‌ها مواجه‌اند و هرلحظه با سیل عظیمی از اخبار اتفاقی مواجه می‌شوند، سر باز زنند. در این راستا طرح اخیر مجلس در جهت محدودسازی شبکه‌های اجتماعی درخورنام است؛ از یک طرف خط و نشانی است بر شروع دولتی که از همان ابتدا باید هم‌سو و

ادامه از صفحه اول

دسترسی به فضای مجازی

حق بنیادین

نهضت مطالبه‌گری و اعتراض به محدودیت‌ها در این بستر شکل می‌گیرد.
۵- بدهیی است ساختارمندکردن سانسور در غیاب مراعات موازین قضائی ناظر بر احيای حقوق عامه و تضمین حقوق شهروندی به نام قانون، مصداق سوااستفاده از قانون و در مسیر نقض حقوق شهروندی و مغایر اصل ۹ قانون اساسی قلمداد شده و تعلیق یا محدودسازی حق آزادی دسترسی شهروندی خلاف حقوق اساسی تحلیل می‌شود. این حق برای شهروندان محفوظ است که نسبت به قوانین نامدارانه اعتراض کنند. نباید با هیچ توجیهی حقوق بنیادین بشر در دسترسی به اطلاعات و استفاده از امکانات روزآمد که دولت‌ها ملکف به تأمین آن هستند، به نام قانون و ذیل تابلوی صیانت، سناط شود. مردم باید امکان و اقتدار برای اعتراض و بیان حق انتخاب خود داشته باشد.

۶- نقض آزادی‌های بنیادین و محدودکردن کسب‌وکارهای اینترنتی، تحدید ارتباطات فرامرزی تجاری، تزلزل پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی در فضای مجازی موضوعی نیست که کنشگران حقوق بشر و شهروندی نسبت به آن بی‌تفاوت باشند؛ بنابراین از قوه مقننه انتظار می‌رود از تصویب قوانین مغیار با حقوق شهروندی اجتراز کرده و توجه کند که وضع قانون خوب منطبق با وجدان عمومی و بر سبیل خیر عمومی کاربیزه مجلس بوده و تحدید حق و آزادی سزاوار پارلمان منعیث از اراده جمعی ذیل اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی نیست.

۷- این سباق تصمیم، نقض اصل ۲۸ قانون اساسی است و لاجرم نهنتها موجب تأمین شغفل نمی‌شود بلکه باعث تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها شده و در وضعیت تحریم و کرونا می‌اشود که این اقدام نقض تعهدات بین‌المللی دولت ناظر بر حق آزادی بیان و نقض سسوغند نمایندگان در تعهد به قانون اساسی و تضمین حقوق ملت شده و با توجه به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصداق سلب حق بوده و قابل تعقیب کیفری است. انتظار می‌رود با اتکا به نظرات کارشناسی از جمله موضع شفاف سازمان نظام صنفی رایانه‌ای‌که دلالت بر تصدیق نقض حقوق کاربران با اعمال ایسن طرح دارد، از محدودسازی خدمات فضای مجازی و ایجاد اختلال در بهتای باند بسیاری از پلتفرم‌های کاربردی بین‌المللی اجتناب شود.

۸- سسوکیری پارلمان‌ها باید به اراده عمومی معطوف باشد و کشفیت از نظر و خواست مردم داشته باشد. هر قدر در تأمین نظر مردم به‌عنوان ولی نعمت و موکل خود کوشا باشند، اعتماد شهروندان بیشتر جلب می‌شود و اگر کسته از این اراده باشند یا نتوانند ارتباط وثیقی با افکار عمومی برقرار کنند، بی‌اعتمادی و سوءظن‌ها قویتر و عمیق‌تر است. مردم باید بدانند امانت حکمرانی در راستای اراده آنها بسیج و کاریست می‌شود و درباره فضای مجازی نیز حکمرانی باید به مردم اطمینان دهد که حقوق ایشان دستخوش آزموهن و خطا و نقض و تعدی قرار نمی‌گیرد و صرف خیر عمومی و منافع همگانی منبای همه تصمیمات و اقدامات حکمرانی است.

برگ سبز خودروپژو TU5 206 رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۹۹- ۲۶۳ ط ۷۱ و شماره موتور 163B021034 و شماره شاسی NAAP13FE0FJ325419 به نام زهره محبوب گشت رودخانهی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.	گواهی می شود فاکتور اتاق به شماره ۹۷۰۷۴۱۶۲۳ و به شماره شاسی IK02609720002307 مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
برگ سبز خودرو پراید جی تی ایکس آی رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ایران ۱۱- ۶۹۴ م ۸۷ و شماره موتور ۰۱۲۰۹۲۴۵ و شماره شاسی S1412284574993 به نام رامین گله داری مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.	کارت دانشجویی اینجانب مهدی فرج الهی نام پدر غلام رضا با شماره دانشجویی ۹۴۱۲۱۱۶۰۰۳ از دانشگاه دانشکده دندان پزشکی ایلام رشته دندان پزشکی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
برگ سبز خودروهیوندای I20 رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۴۴ _۶۳۲ ص ۱۴ و شماره موتور G4LCGZ095815 و شماره شاسی NAKHGH229HB101085 به نام مهدیه اعظمی نژاد مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.	سند کمپانی و کارت خودروپژو۲۰۶ رنگ نقره ای روغنی مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۶۶- ۵۵۷ ی ۳۷ و شماره موتور10FSM84694264 و شماره شاسی ۸۳۶۲۱۸۰۶ به نام سارا عمانی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب فرزانه یوسفیان فرزند نصرت اله به شماره شناسنامه۰۰۶۸۶۲۹۶۰۵ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته شیمی محض صادره از واحد دانشگاهی تهران شرق به شماره سریال ۰۵۴۴۷۱۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به نشانی جاده خاوران ، شهرک قیامدشت ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق ارسال نماید .	مدرک فارغ التحصیلی اینجاب حامد چاوشیان اهری فرزند ابوالقاسم به شماره شناسنامه۰۰۱۲۶۲۶۴۶۵ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته نقشه کشی معماری صادره از واحد دانشگاهی تهران غرب مفقود گردیده است و فاقد اعتبار میباشد . از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب به نشانی تهران پاسداران نستان نهم ارسال نماید.